

گویش مشکنان، جمال صدری، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۸، ۲۶۶ صفحه.

کتاب با پیشگفتار آغاز می شود و، پس از بررسی گویش طی بخش های «جایگاه گویش»، «چگونگی گردآوری»، «آواشناسی»، «دستور»، «واژه نامه»، «واژه های کودکان»، «نمونه هایی از گفتار»، با ارائه فهرستی از منابع مورد استفاده خاتمه می یابد.

روستای کهنسال مشکنان در ۹۰ کیلومتری شرق اصفهان، بر سر راه اصفهان به نایین و یزد، قرار دارد. فاصله آن از شرق تا نائین ۵۴ کیلومتر و از غرب تا کوهپایه ۱۵ کیلومتر است. جمعیت کنونی روستا کمتر از ۱۰۰۰ نفر ذکر شده (ص ۱۷)؛ چنان که، در بیست سال اخیر، به علت کم آبی و نبود منبع درآمد، هر سال عده ای به اصفهان و جاهای دیگر کوچ کرده و می کنند. تعداد کمی از مردم کشاورزند ولی بیشتر آنها، که به خوش نشین معروف اند، از گذشته های دور، به عبابافی، کرباس بافی و سپس پارچه بافی و، در سی سال اخیر، به قالی بافی اشتغال دارند.

گویش مشکنان بازمانده گویش قدیم اصفهان است و با گویش شهرک ها و روستاهای باختر مشکنان (مانند جزه، کوهپایه، زفره) و مناطق جنوب و جنوب باختری (مانند مشکنان سفلی، کفران، فارفان و اژییه در منطقه رود دشت و محمدآباد و پیکان و نیک آباد در بخش جرقویه) همانند است. با گویش مناطق شمال و شمال غربی اصفهان (گری، میمه ای و خوانساری) نیز تفاوت چندانی ندارد و با گویش یهودیان اصفهان یکسان است

(ص ۱۳). نویسنده کتاب معتقد است که با توجه به این شباهت‌ها به یقین می‌توان گفت که گویش قدیم اصفهان نیز همین گویش بوده است (ص ۱۳). در این بخش از کتاب، برای مشخص کردن دقیق محل روستا و نیز محدوده گویش، جا داشت که نقشه مختصر منطقه ضمیمه این بخش می‌شد.

در پیشگفتار (ص ۸) آمده که گردآوری داده‌های گویش از سال ۱۳۴۸ شروع شده ولی متأسفانه از آن زمان تاکنون گویش مشکنان بسیاری از واژه‌های خود را از دست داده است. نویسنده دلایلی برای زوال این گویش بر می‌شمرد که از این جمله است: سیطره زبان رسمی، گسترش رادیو و تلویزیون و آموزش و پرورش و نیز احساس حقارت گویشوران بومی در برابر فارسی‌زبانان شهری و «دوزبانه بودن اهالی روستا» (فارسی معیار و گویش محلی) (ص ۱۰ و ۱۱). وی گفت‌وگو به گویش محلی را محدود به محیط خانه می‌داند، به‌ویژه در خانواده‌هایی که مادر به این گویش سخن می‌گوید. در نتیجه، گردآوری این گویش که در معرض نابودی قرار دارد کاری بس ارزشمند از نظر مطالعات زبانی است. در انتهای پیشگفتار (ص ۱۲) جایگاه گویش مشکنان در درخت خویشاوندی تصویر شده که دقت چندان ندارد؛ از جمله، با توجه به اینکه این گویش بازمانده گویش قدیم اصفهان است، جای گویش اصفهان در این نمودار خالی است.

در بخش چگونگی گردآوری و تنظیم داده‌های گویش (ص ۱۵) آمده است که تک‌تک واژه‌ها از زبان افراد مختلف، به‌ویژه پیرمردان و پیرزنان و گویشوران بی‌سواد، ضبط و تلفظ اصیل هر یک ثبت شده است. در این بخش، تعداد گویشوران، سن و طبقه اجتماعی آنان ذکر نشده، ولی چون گردآورنده خود گویشور زبان و آشنا با واژه‌ها و معنای آنها بوده می‌توان پذیرفت که واژه‌ها با دقت قابل قبول ثبت شده باشند.

آواهای گویش در جداولی (ص ۲۲ به بعد) معرفی شده‌اند. در جدول آوانوشت (ص ۲۲)، معادل فارسی آواها، مثال و برابر فارسی آن و، در زیر مثال، صورت آوانوشته واژه و نیز تلفظ واژه با خط فارسی داده شده است.

برای نشان دادن واحد زیرزنجیری کشش، در شکل فارسی نوشته، از نشانه (،) استفاده شده (ص ۲۴) که غیر معمول است و، در صورت حذف فارسی نوشته، خود به

خود این نشانه نیز حذف خواهد شد و همان نشانه کشش (:) در صورتِ آوانگاشته کافی خواهد بود و، در این صورت، جدولِ صفحه ۲۴ برای روشن کردنِ چگونگیِ ثبتِ کششِ آوایی غیر ضروری خواهد بود. (نمونه: ک، ره Ka:re «بزغاله»)

در بخشِ آواشناسیِ گویش مشکنان، ابتدا در صفحه ۲۵ جدولِ صامت‌ها و سپس در صفحه ۲۶ نمودارِ مصوت‌ها ترسیم شده است که خالی از مشکل نیستند؛ مثلاً، p و b را، به جای دولبی، در زمره لبی دندان‌ها آورده است. نگارنده، در قسمتِ «جایگاهِ واج در واژه» (ص ۲۶-۳۰)، جایگاه‌های آغازین، میانی و پایانیِ واج‌ها را در جدولی نشان داده و، برای واج‌ها، جفتِ کمینه یا شبه کمینه ارائه داده است. برای نمونه، واج‌های /m/ (دولبی، خیشومی، واک‌دار) و /p/ (دولبی، انسدادی، بی‌واک) و واج‌های /p/ (دولبی، انسدادی، بی‌واک) و /v/ (لبی دندان‌ها، سایشی، واک‌دار) و /w/ (دولبی، لغزشی، واک‌دار) با هم مقایسه شده‌اند.

در موردِ جایگاهِ مصوت‌ها (ص ۳۱) نیز قید شده که هیچ واژه‌ای با مصوت شروع نمی‌شود و مصوت‌ها فقط در میان و پایانِ واژه می‌آیند. در اینجا نیز جدولی از جفت‌های کمینه تنظیم و واکه‌ها دو به دو مقایسه شده‌اند.

از صفحه ۳۲ تا ۴۶ کتاب فرایندهای واجی بررسی شده‌اند. نویسنده گفته است که واژه‌های هر زبان و گویش در طولِ زمان دچارِ تغییراتِ واجی از قبیلِ ادغام، کاهش، افزایش و قلب می‌گردند. به علاوه، قید شده که، چون فرایندهای واجیِ گویش مشکنان در گذرِ زمانِ چندان مشخص نیست و به زحمت می‌توان به ساختِ گذشته آنها پی برد، تفاوتِ آنها در تقابل با واژه‌های زبانِ فارسیِ معیار نشان داده می‌شود. همچنین ذکر شده که این امر بدان معنا نیست که همه واژه‌های فارسیِ معیار که به مشکنانی وارد شده‌اند دگرگون شده باشند (ص ۳۲). این مباحث دقت علمی کافی ندارند و روشن نیست که فرایندها تاریخی و در زمانی هستند یا هم‌زمانی به شمار می‌آیند. از سوی دیگر، روشن نیست که جهتِ تبدیل و عملکرد فرایندها از گونه معیار به مشکنانی باشد؛ بنابراین، ارائه صورت‌ها در برابر هم منطقی‌تر است از ارائه فرمول‌هایی مانند:

/a/ → /e/

/ʔabzâr/ → /ʔewzâr/

کتاب از صفحه ۴۷ به بررسی دستور گویش مشکنان می‌پردازد. در این بخش، ابتدا ساخت تصریفی واژه‌ها بررسی شده و آمده است: نشانه جمع تکواژ *hâ* است که مانند فارسی گفتاری معیار به صورت */â/* تلفظ می‌شود. نظر به اینکه مشکنانی گویشی است که نوشتار ندارد و با توجه به اینکه گردآورنده صورت گفتاری را ثبت کرده، شاید مناسب‌تر بود که گفته می‌شد نشانه جمع در این گویش فقط تکواژ */â/* است که به احتمال نزدیک به یقین همان */hâ/* در فارسی معیار است.

در ادامه آمده است که واژه‌هایی که به مصوت (واکه) ختم می‌شوند، قبل از تکواژ جمع، یک صامت (همخوان) میانجی می‌گیرند و پنج مثال برای این مورد ذکر شده است:

puwo-h-â پدرها	berâ-h-â برادرها	doti-y-â دخترها
pore-h-â پسرها	âmu-v-â عموها	

و قید شده که در سه مثال آخر پیدا شدن صامت میانجی */h/* به دلیل هم‌نشینی دو مصوت است. در اینجا نیز، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، علت وجود صامت‌های میانجی */v/* و */y/* نیز همان مانع شدن از هم‌نشینی دو مصوت است.

در صفحه ۵۵ زیرعنوان «فعل»، به تکواژ مصدر ساز */mon/*، و نیز ساخت صفت مفعولی، بن مضارع و ماضی، شناسه‌ها و... اشاره شده و نمونه‌هایی از افعال صرف شده است، اما نظم و دقت علمی لازم در ارائه مطالب مشاهده نمی‌شود.

از صفحه ۶۰ «ساختمان فعل» در زمان‌های مختلف بررسی شده است و صفحه‌های ۶۶ تا ۷۱ اختصاص دارد به صرف افعال «گفتن» و «رفتن» در زمان‌های گذشته ساده، نقلی، دور، التزامی، استمراری، مستمر و مضارع اخباری، مستمر و التزامی و آینده. از صفحه ۷۲ تا ۸۱ نیز مصدرها و بن‌های افعال و صورت‌های آنها ثبت شده‌اند.

در بخش مربوط به نحو، که از صفحه ۸۶ شروع می‌شود، نظام جمله‌ها در گویش مشکنان با جمله‌های دوجزئی با فعل ناگذر، جمله‌های سه جزئی با فعل گذرا و جمله‌های چهارجزئی با فعل گذرا توضیح داده شده و، اگرچه در ابتدای بحث آمده

است که ساختِ جمله و جای اجزای آن در این گویش چندان تفاوتی با زبانِ معیار ندارد، ولی در دو سطرِ پایینِ صفحه ۸۷ مثالِ زیر آمده است:

žinjš pore š-bezānte زنش پسر زاییده است.

فعل مفعول نهاد

و گفته شده که شناسه /š/ پیش از بنِ فعل و پس از مفعول قرار گرفته است. با کمی دقت در شیوه خواندنِ جمله متوجه می‌شویم که ظاهراً جمله به صورتِ زیر است:

žinjš pore-š bezānte

فعل مفعول نهاد

و در نتیجه شناسه /š/، که مشخص نشده چگونه شناسه‌ای است، به انتهای مفعول چسبیده و البته فعل پس از آن آمده است. نمونه‌های مشابه دیگری نیز در این بخش دیده می‌شود.

در صفحه ۸۹ نیز از انواع جمله ساده، مرکب، خبری، پرسشی، تعجبی و امری مثال‌هایی آورده شده و مجدداً قید شده که تفاوتی با فارسی معیار ندارند؛ در حالی که در جمله‌های این قسمت نیز می‌بینیم که ضمیر پیوسته /ot/، به خلافِ فارسی که به فعل می‌چسبد، به مفعول چسبیده است. برای نمونه:

hiye t -ot čan (d) befrāt خانه‌ات را چند فروختی؟

ضمیر شخصی ضمیر ملکی مفعول

در بخشِ بعدی، با بهره‌گیری از کتاب گویش کلیمیان اصفهان (ایران کلباسی ۱۳۷۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) همانندی‌های دو گویش در زمینه‌های مختلف نشان داده شده است تا پیوندِ این گویش‌ها در گذشته را توضیح دهد. در اینجا ضمایر، شناسه‌های افعال و ساختِ جمله‌های دو گویش با مثال‌هایی با هم مقایسه شده و، در ادامه، واژه‌های مشابه دو گویش زیرِ عنوانِ «تقابلِ واژه‌ها» کنار هم قرار داده شده‌اند.

فراموش نکنیم که در صفحه ۳۲ از اصطلاح «تقابل» برای تغییرات واجی و نشان دادن تفاوت‌ها استفاده شده بود و در اینجا این اصطلاح برای نشان دادن شباهت واژه‌ها به کار رفته است.

واژه‌نامه گویش از صفحه ۱۰۲ شروع می‌شود. واژه‌نامه به صورت الفبایی تنظیم شده، ابتدا واژه گویشی به خط فارسی و، در برابر آن، آوانگاشت درون کمان قرار گرفته، سپس معنا یا شرح یا مثالی برای واژه ثبت شده است. در شکل موجود کتاب، دستیابی به صورت مشکنانی واژه فارسی برای خواننده غیر بومی مشکل‌آفرین است. شاهد مثال‌ها نیز، به جای حروف آوانگار، با الفبای فارسی ثبت شده‌اند.

شیوه به کار رفته در واژه‌نامه یکدست نیست، مثلاً برای بعضی واژه‌ها شاهد مثال آورده شده ولی در بسیاری موارد، به‌ویژه مواردی که ذکر چگونگی کاربرد واژه ضروری بوده، شاهد مثال ثبت نشده است.

در مورد واژه آلاگارسن /?âlâgârson/: آرایش، مأخوذ از زبان فرانسه، معلوم نیست که چگونه گویش تحت تأثیر زبان فرانسه قرار گرفته است. شاید بهتر بود که می‌نوشت «مأخوذ از زبان تحصیل‌کرده‌های دهه‌های سی و چهل که زیر تأثیر زبان فرانسه بوده‌اند». در مورد مشابه دیگر، یعنی مدخل غنتیک /?ântik/ (ص ۱۷۱) قید نشده که مأخوذ از زبان فرانسه است و معلوم نیست که چرا با حرف «ع» نوشته شده است. گاه و به ندرت برای مدخلی برچسب دستوری ذکر شده است؛ مانند «شیکس» که بر چسب مصدر مرخم دارد. البته لازم است یادآوری شود که در بخش‌های مصدرها از مصدر مرخم حرفی به میان نیامده است.

در واژه‌نامه، همانند سراسر کتاب، از نشانه /â/ برای /آ/ و /a/ برای /ا/ استفاده شده ولی گاهی به اشتباه، به جای /a/، صورت /â/ ثبت شده که در نمودار واکه‌ها وجود ندارد. برای نمونه در زیر حرف «ع» شاهد این مورد هستیم.

از صفحه ۲۱۱ به بعد، نمونه‌هایی از گفتار و سروده‌های مردم مشکنان در بخش‌های مختلف (گفتار در خانه، کوچه، سلامت و بیماری، کار در روستا، آب و هوا، و...) ثبت شده است. تقسیم‌بندی ارائه شده هیچ‌گونه تمایز کاربردی را نشان نمی‌دهد و تفاوت جمله‌ها فقط در واژه‌های متفاوت آنهاست، که البته همه در واژه‌نامه نیز ثبت شده‌اند.

زیرِ عنوانِ «نمونه‌هایی از گفتار و سروده‌ها»، در ابتدا، به نظرِ متنیِ یگانه‌ای در دسترس است ولی در واقع جمله‌های مجزایی هستند که بهتر بود هر جمله با ترجمه‌اش در سطرِ جدا می‌آمد و البته بهتر می‌شد، اگر به جای نوشتنِ جمله‌ها به خطِ فارسی، از خطِ آوانگار استفاده می‌شد.

و سرانجام کتاب با حکایتی از سندبادنامه، به روایتِ مردمِ مشکنان، یک منظومه، مناظره‌ای عاشقانه و دو عددِ دوبیتی به پایان می‌رسد.

در خاتمه، جا دارد از زحماتِ آقای جمال صدری قدردانی شود که با عشق و توجه و با تمامِ توانِ خود به ثبتِ آن گویش، که در معرضِ نابودی قرار دارد، اقدام کرده‌اند. امید است ناشرانِ محترم، با بازنگریِ دقیقِ ترِ داده‌های گویشیِ ارزشمند و با به کارگرفتنِ دانش و مهارتِ متخصصان در جهتِ تنظیمِ چنین داده‌هایی، متنی کاربردی‌تر ارائه دهند و ارزش‌های چنین دسترنج‌هایی را از دلِ آنها بیرون کشند تا تلاشِ پژوهشگرانِ بومی در آثاری معتبر جلوه‌گر شود.

پروانه فخرام‌زاده

